

## عنوان مقاله:

تحلیل نگرش محمدرضا شاه پهلوی به حکومت‌گری، طبقات و جریان‌های پرنفوذ اجتماعی (از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۵)

## محل انتشار:

فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره 25، شماره 4 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسندگان:

جمشید ترابی اقدام

ثریا معمار

ثریا معمار

علی ربانی خوراسگانی - هیات علمی

## خلاصه مقاله:

مقاله حاضر درصدد تحلیل نگرش محمدرضا شاه پهلوی به حکومت‌گری، طبقات و جریان‌های پرنفوذ اجتماعی در دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد است. محدوده تاریخی تحقیق سال‌های ۱۳۳۲ تا پایان ۱۳۵۵ ه.ش را در بر می‌گیرد. پیش فرض نظری طرح چنین موضوعی این است که نگرش شاه پیوندی دیالکتیکی با شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه او داشته است. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای آراء همایون کاتوزیان در نظریه استبداد ایرانی صورتبندی شد. روش تحقیق کیفی از نوع تحلیل محتوای کمی و کیفی است. اطلاعات براساس تمامی سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مصاحبه‌های شاه در دو دوره زمانی از سال ۳۲ تا ۴۲ و از سال ۴۲ تا ۵۶ به دست آمد. طبق یافته‌های تحقیق حاضر، در دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد، با انقلاب سفید، چرخشی آشکار در نگرش شاه نسبت به حکومت‌گری، گروه‌ها و طبقات اجتماعی پرنفوذ، دین، قانون اساسی، مشروطیت، دموکراسی، غرب و نظام جهانی به وجود آمد. بر این اساس، دوران پس از کودتا را باید به لحاظ نگرشی به دو دوره اصلی پیش، پس از انقلاب سفید تقسیم کرد. روند کلی نگرش او نشان دهنده چرخش از یک پادشاه دیکتاتور به یک پادشاه خودکامه و خودسر است و حتی در زیر دوره‌های مورد مطالعه در این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که شاه در طول مدت سلطنت خود به لحاظ نگرشی پیش از کودتای سال ۳۲ یک پادشاه دیکتاتور و پس از آن یک پادشاه مستبد بوده است و میل او به دیکتاتوری و استبداد، ناشی و متأثر از شرایطی، همچون: وجود یا عدم افراد و گروه‌های پرنفوذ و مستقل در عرصه سیاسی، میزان درآمدهای نفتی و چگونگی سیاست‌های حمایتی آمریکا بوده است. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر در چارچوب تحلیل محتوای سخنان شاه، نظریه استبداد ایرانی را تایید می‌کند.

## کلمات کلیدی:

نگرش، حکومت دیکتاتوری، حکومت استبدادی، استبداد ایرانی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1212164>

